

کارکرد تمدنی قرآن؛ یک بررسی مقدماتی در قلمرو تمدن پیشین اسلامی

محسن الویری *

۵۵



کارکرد تمدنی قرآنی

چکیده

اگر تمدن را مجموعه‌ای از مؤلفه‌هایی بدانیم که مبتنی بر یک اندیشه بنیادی و در قالب نظام‌های گوناگون سامان می‌یابد، خاستگاه این اندیشه بنیادی در تمدن پیشین مسلمانان، آموزه‌های وحیانی اسلام بود که هسته مرکزی این آموزه‌ها در قرآن آمده است. به این ترتیب، قرآن بنیان معرفتی، منطق ترکیب و تعیین‌کننده چگونگی رابطه میان اجزا و ترسیم‌کننده جهت اصلی تمدن مسلمانان بوده است. این یافته را می‌توان با نگاهی درونی به قرآن و بررسی آموزه‌های تمدنی آن از یک سو و نگاهی بیرونی به واقعیت تمدن اسلامی، کارکردها و نقش آفرینی‌های قرآن در آن مستند ساخت. این نوشتار به موضوع دوم، یعنی کارکرد تمدنی قرآن پرداخته و آن را در دو محور اصلی بررسی کرده است: اثرگذاری قرآن بر روح کلی و جهت‌گیری‌های تمدن اسلامی و اثرگذاری قرآن بر اجزا و مظاهر تمدن اسلامی. در محور دوم دانش‌ها، هنرها، فضاها، کالبدی زیست‌بوم‌های مسلمانان و زندگی اجتماعی مسلمانان بررسی شده است. نتیجه اینکه کنار رفتن آموزه‌های قرآنی از صحنه اجتماع مسلمانان و محدود ماندن آن در ساحت مسائل اندیشه‌ای غیرمرتبط با نیازهای اجتماعی، نقطه آغاز ایستایی تمدن اسلامی خواهد

بود، ولی وضعیت کنونی تمدنی بشر و پیچ تاریخی جابه‌جایی تمدن‌ها، زمینه‌ساز ورود دوباره قرآن به صحنه تمدن و محور قرار گرفتن آن در تمدن جدید اسلامی است.

کلیدواژه‌ها

قرآن، تمدن اسلامی، اندیشه تمدنی، روح تمدن، مبانی تمدن.

مقدمه

سخن گفتن از تمدن ما را در برابر دو گستره موضوعی متفاوت قرار می‌دهد: ۱. میراث تمدنی بشر؛ ۲. افق تمدنی بشر. گستره نخست نگاه به گذشته دارد و به داشته‌ها و سرمایه‌های پیشین معطوف است و گستره دوم نگاه به آینده دارد و به نوآوردها و دستاوردهای جدید تمدنی بشر معطوف است. این دو قلمرو، مسائلی ویژه برای خود دارند و در برخی مسائل نیز مشترک‌اند. اینکه دین و آموزه‌های دینی چگونه بر شکل‌گیری یک تمدن اثر می‌گذارند می‌تواند در زمره مسائل مشترک باشد، ولی آن‌گاه که برای نمونه از دین اسلام سخن می‌گوییم و به گذشته نظر داریم، باید در قالب گزاره‌های خبری از نقش اسلام و قرآن در تمدن اسلامی پیشین سخن بگوییم و وقتی به آینده نظر داریم، در قالب گزاره‌های انشایی و هنجاری باید از نقشی که اسلام و قرآن می‌تواند در تمدن اسلامی جدید داشته باشد بحث کنیم.

در این نوشتار کوشیده‌ایم با استفاده از روش سند‌پژوهی، در پاسخ به پرسش از نقش‌آفرینی تمدنی اصلی‌ترین و مهم‌ترین متن دینی مسلمانان، نگاهی کلی به نقش و جایگاه قرآن در تمدن پیشین مسلمانان بیفکنیم و بر اساس یافته‌های آن، چندین گزاره هنجاری درباره تمدن جدید اسلامی به دست دهیم. بنابراین، قلمرو پژوهشی این مقاله، تمدن اسلامی پیشین مسلمانان است که به اجمال در همان درک بین‌ذهانی از مجموعه‌ای از دستاوردهای سخت و نرم جامعه بزرگ مسلمانان بازتاب یافت و سازگار با آموزه‌های اسلامی و مبتنی بر آنها شکل گرفت و تأثیرها از اسلام پذیرفت و در یک بازه زمانی بیش از هفت قرن، تمدن برتر جهان به شمار آمد. اگر در جزئیات چنین برداشتی از تمدن اسلامی میان اندیشمندان اختلاف نظر باشد، این سطح از تفاوت دیدگاه‌ها در ساختار و محتوای این مقاله اثرگذار نیست و از این رو، بیش از این بر این موضوع درنگ نمی‌کنیم.



نقش قرآن در صورت‌بندی تمدن اسلامی

با نگاهی درونی، قرآن دربردارنده آموزه‌های تمدنی است که در قالب واژگانی واجد مفهوم کلی تمدن، همچون آثار، بلد، تمکن، حیات طیبه، عمران، تشویق به تمدن‌نگری، قانون‌مندی‌های حاکم بر تمدن‌ها، ارائه اطلاعاتی درباره سرزمین‌ها یا اقوام دارای میراث تمدنی، اجزای یک تمدن، مظاهر تمدنی و شخصیت‌های تمدن‌ساز و تمدن‌سوز قابل صورت‌بندی است. با نگاهی بیرونی نیز قرآن افزون بر اثرگذاری در روح کلی تمدن اسلامی و جهت‌گیری‌های آن بر دستاوردها و مظاهر تمدنی مسلمانان اثرگذار بوده است. این صورت‌بندی که ساختار نوشته حاضر را تشکیل می‌دهد بر این پیش‌فرض استوار است که تمدن - بسان هر مجموعه زنده بشری - افزون بر اجزاء، ابعاد و اضلاعی که دارد، برخوردار از یک روح کلی است که با اعطای منطق ترکیب اجزاء، هویت‌بخش آن به شمار می‌رود.

یادآور می‌شود کل‌نگری مقاله حاضر با مسئله‌محوری آن تنافی ندارد، زیرا در موضوعاتی نوپدید و فراخ‌دامن گام نخست به دست‌دادن یک تصویر کلی و فراگیر است که بتواند صورت‌بندی اجزای خرد مسئله را به نمایش بگذارد و این مقاله ادعایی جز این ندارد.

الف) اثرگذاری قرآن بر روح کلی و جهت‌گیری‌های تمدن اسلامی

هر تمدنی مبتنی بر یک سلسله باورها و ارزش‌ها سامان می‌یابد و بی‌تردید ادیان نیز به دلیل دربرداشتن این باورها و ارزش‌ها می‌توانند در شکل‌گیری تمدن‌ها نقش داشته باشند.^۱ بجز عالمان دینی، پژوهندگان تاریخ تمدن همچون ویل دورانت و توین‌بی و حتی

۱. برای چند بحث مقدماتی در این زمینه، نک: یاریان، ۱۳۸۷: ۱۰۱-۱۲۰؛ رئیس‌السادات، ۱۳۶۸: ۸۱-۹۳. بازرگان در این زمینه می‌نویسد: «پیغمبران چون بنیان‌گذاران ایمان و اخلاق بوده و افکار و احکامی را ترویج می‌کرده‌اند که مردم در سایه آن الفت و اطمینان نسبت به یکدیگر پیدا کنند و به این ترتیب، هم‌زیستی آنها که شرط وجود و دوام تمدن است امکان‌پذیر می‌شده است، پیغمبران را باید حقیقاً سازندگان اصلی تمدن دانست» (بازرگان، بی‌تا: ۹).





نظریه پردازان معاصر هم چون ساموئل هانتینگتون هم به صراحت ادیان را ویژگی آشکار و پایه اصلی تمدن‌ها شمرده‌اند (هانتینگتون، ۱۳۸۰: فصل دوم). البته تمدن پژوهانی همچون حسین مؤنس نیز هستند که جایگاهی برجسته برای دین در پیدایش و تداوم تمدن در نظر نگرفته‌اند (مؤنس، ۱۴۱۹). در زمینه مطالعات میدانی هم کتاب مشهور ماکس وبر با عنوان اخلاق پروتستان و روح سرمایه‌داری آشکارا نشان داد که چگونه تمدن نوین مغرب زمین با محوریت نظام سرمایه‌داری از اخلاق دینی فرقه‌های مسیحی پروتستان تأثیر پذیرفته است.^۱ می‌توان پیش‌بینی کرد که اگر پژوهش‌هایی در این سطح درباره دیگر ادیان و تمدن‌ها نیز صورت پذیرد، دستاوردهایی بسیار ارزشمند در پی خواهد داشت.

درباره تأثیر آموزه‌های اسلامی بر شالوده و روح تمدن اسلامی، بررسی‌های مفیدی انجام شده است که در نوع خود ارزشمند است،^۲ ولی اگر سهم تمدنی قرآن را جداگانه و به طور ویژه در نظر بگیریم، در یک ارزیابی همدلانه می‌توان پژوهش‌های انجام پذیرفته را فعالیت‌هایی در سطح گام‌های مقدماتی شمرد. اینکه قرآن چگونه و تا چه اندازه در تمدن اسلامی نقش داشته است، به شکل‌هایی مختلف و تقریباً همواره به صورت گذرا و کلی مورد توجه اندیشمندان مسلمان بوده است. علامه طباطبایی در بخش اول کتاب قرآن در اسلام، با عنوان «قرآن مجید چه ارزشی در میان مسلمانان دارد؟»، پس از بیان سه مقدمه، چگونگی برنامه‌ریزی قرآن برای زندگی بشر را از نقطه عزیمت باورها تا نقطه غایی رفتارها بیان کرده است (طباطبایی، بی‌تا: ۱۸-۵). البته علامه در اینجا نامی از تمدن نمی‌برد، ولی نگاه ایشان به چگونگی تأثیرگذاری قرآن بر زندگی

۱. نک: وبر، ۱۳۷۴. همچنین برای یک بررسی انتقادی از دیدگاه‌های وبر در باره پیامدهای تمدنی اندیشه اسلامی، نک: ترنر، ۱۳۸۰.

۲. به‌عنوان یک نمونه از آرای شرق‌شناسان، نک: میکل، ۱۳۸۱، ج ۱: ۲۲. او در این زمینه می‌نویسد: «اسلام به تمدن اسلامی شالوده‌ای بخشید که دست کم تا عصر جدید لایتغیر باقی مانده است» و به‌عنوان نمونه‌ای از آرای اندیشمندان معاصر جهان عرب، نک: الخطیب، ۱۴۰۶: الفصل الثانی و الفصل الثالث؛ نیز نک: مهنا، ۲۰۰۸: ۱۱۴-۱۱۷؛ همچنین برای نمونه‌ای از آرای اندیشمندان ایرانی، نک: نصر، ۱۳۸۴: ۱-۲۳؛ زرین کوب، ۱۳۸۲: ۳۱. زرین کوب می‌نویسد: «...همه جا یک دین بود و یک فرهنگ: فرهنگ اسلامی که فی‌المثل زبانش عربی بود، فکرش ایرانی، خیالش هندی بود و بازویش ترکی، اما دل و جانش اسلامی بود و انسانی».

فردی و اجتماعی انسان در دستیابی به نقطه کمال معطوف است. همچنین ایشان ذیل آیات شریفه:

«وَلِكَيْتَلُوْكُمْ بِسَيِّئِ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (بقره: ۱۵۵-۱۵۶)

و بی گمان شما را با دچار ساختن به پاره‌ای ناچیز از ترس و گرسنگی و کاستی در دارایی و جان و بهره‌ها می‌آزماییم و شکیب‌ورزان را مژده بده - آنان که هرگاه سوگی بر ایشان وارد آید چنین گویند: ما از آن خداایم و به سوی او باز خواهیم گشت.

به گونه‌ای خاص از تربیت انسانی در قرآن اشاره می‌کند که بر اندیشه‌ها و معارف ویژه‌ای مبتنی است و به همین مناسبت، بدون ذکر نام از یکی از شرق‌شناسان یاد می‌کند که معتقد است معارف دینی اسلام تنها مجموعه‌ای از امور اخلاقی است که جوهره مشترک دعوت همه انبیا را تشکیل می‌دهد و پیوندی بین این معارف و مدنیتی که در نتیجه اسلام میان پیروان این دین پدید آمد دیده نمی‌شود. علامه با رد این نظریه استدلال می‌کند که نتیجه برآمده از مقدمات است و نشانه‌های پیرونی تمدن اسلامی، پیامد طبیعی دانش‌ها و آموزه‌هایی است که سازندگان این تمدن از اسلام فرا گرفته بودند و دینی که انسان را به سوی کمال حقیقی خود فرارخواند، نمی‌تواند چنین دستاوردهایی داشته باشد.

علامه بر اساس قرائتی ویژه بر این باور است که دین اسلام انبوهی از بندگان صالح، عالمان ربانی و اولیای مقرب را به ساختن یک اجتماع انسانی کمال یافته کشانیده است و همین امر که در آموزه‌های قرآنی خداپرستی و عبادت دوستی و برتر نهادن جنبه ربوبی بر جنبه بشری ریشه دارد، گونه‌ای خاص از تمدن را رقم زده است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱: ۳۵۹-۳۶۱). البته اینکه به طور ویژه کدام دسته از باورها و ارزش‌های قرآنی مبنای تمدن اسلامی پیشین را تشکیل داده است، همانند دیگر مباحث هنوز به روشنی و گسترده‌گی موضوع پژوهشی قرار نگرفته است، ولی تقریباً همه پژوهشگران این حوزه، بر جایگاه محوری اندیشه توحید و قرآن تکیه کرده‌اند. گاهی بر مفاهیمی همچون معاد، عدالت،





آزادی انسان، جایگاه و اهمیت علم نیز اشاره شده است.^۱ به هر حال، مسلمانان هم مانند پیروان دیگر ادیان تحت تأثیر کتاب مقدس دینی شان، به گونه‌ای به زندگی نگریسته و به گونه‌ای خاص زیسته‌اند و به گونه‌ای ویژه از رفتارها روی آورده‌اند و از گونه‌هایی دیگر روی برگردانده‌اند و به ساختن گونه‌ای از بناها علاقه نشان داده‌اند و از گونه‌ای دیگر چشم پوشیده‌اند که مجموعه اینها گونه‌ای خاص از تمدن را در پی داشته است؛ برای نمونه، چگونه می‌توان تأثیر آموزه‌های قرآنی را درباره باید و نبایدها و شایست و نشایست‌های خوراکی‌ها و نوشیدنی‌ها، پوشش و زینت‌آلات، پاکی و طهارت و مانند اینها در زیست اجتماعی مسلمانان و در پی آن نهادهای تمدنی را نادیده گرفت.

هر تمدنی زیرساخت‌ها، برساخت‌ها، نظام‌ها و نهادهای خود را متأثر از باورها و ارزش‌های بنیادی خود به تدریج می‌سازد و در تمدن پیشین مسلمانان نیز همین فرایند متأثر از آموزه‌های قرآنی بوده است. این نکته را حتی به آموزه‌های تمدنی قرآن که پیش‌تر بدان اشاره شد نیز می‌توان تسری داد؛ بدین معنا که کوشش مسلمانان برای فهم قرآن، آنها را هرچند ناخودآگاه متوجه آموزه‌ها و مباحث تمدنی قرآن کرده است؛ برای مثال، اگر قرآن به تمدن‌های پیشین، یا شخصیت‌های تمدن‌ساز و یا مؤلفه‌های یک تمدن مانند معادن، صنایع و علم‌آموزی اشاره کرده است، این موضوع به طور طبیعی نظر مسلمانان را به این پدیده‌ها جلب کرده و توجه مسلمانان به محیط طبیعی زندگی شان، خود سرآغاز سلسله‌ای از فعالیت‌های علمی شده است که می‌توان آنها را فعالیت‌های تمدنی نامید.

۱. برای بررسی‌هایی درباره تعالیم جامعه‌ساز و تمدن‌آفرین قرآن، برای نمونه، نک: مدرسی، ۱۳۷۹؛ همو، ۱۴۱۹، ج ۱۵: ۳۷۴-۳۷۹. این کتاب، در بردارنده بحثی درباره روش پیامبر برای حرکت دادن انسان‌ها به سوی تمدن بر اساس قرآن است؛ مدخل اسلام در دائره المعارف بزرگ اسلامی، ج ۸: ۴۰۲-۴۱۷، شامل سه محور اصول اعتقادی، عبادات و آداب دینی و مناسبات و روابط اجتماعی، به‌ویژه محور فرعی با عنوان «تعالیم و نهادهای اساسی اسلام»؛ میکمل، ۱۳۸۱، ج ۱: ۱۵ و ۱۶، در بحثی با عنوان اسلام و تمدن اسلامی؛ ویل دورانت، ۱۳۷۳: بخش اول، فصل نهم: ۲۲۵-۲۳۶؛ لوبون، ۱۳۳۴، باب دوم: فصل اول: ۱۲۸-۱۴۲؛ فصل دوم: ۱۴۲-۱۵۱؛ فصل نهم: ۱۵۶-۱۶۳؛ بورلو، ۱۳۸۶: ۳۱-۳۳؛ خرمنشاهی، ۱۳۷۹، به‌ویژه مقاله اول: ۱۵-۴۴ و مقاله پنجم: ۱۴۳-۱۸۰؛ جعفری، ۱۳۸۴: ۱۹-۲۲. مبحث «تأثیر قرآن کریم در حماسه ملی ایران» در این کتاب، بیانگر رویکرد اجتماعی و تمدنی مؤلف است؛ خاکرند، ۱۳۸۶: ۱۰۱-۱۲۴؛ بهجت‌پور، ۱۳۸۸، به‌ویژه فصل دوم: ۳۵-۴۲.

ب) اثرگذاری قرآن بر اجزا و مظاهر تمدن اسلامی

افزون بر اثرگذاری قرآن بر روح کلی تمدن اسلامی و جهت گیری‌های اساسی آن، بر اجزا و مظاهر تمدن اسلامی نیز اثر گذاشت. در ادامه به بررسی این موضوع در قالب چهار محور اصلی پرداخته‌ایم. البته یکی از پیش فرض‌های این بخش از مقاله، به هم پیوستگی توسعه و پیشرفت با تمدن است؛ یعنی این دو، دو موضوع کاملاً متفاوت از یکدیگر نیستند، بلکه تفاوت آنها با یکدیگر تنها در فرایند و نتیجه است. پیشرفت و توسعه فرایندی است که به تمدن می‌انجامد و تمدن نتیجه و خروجی این فرایند است. تمدن از انباشت توسعه به دست می‌آید و پیشرفت و توسعه نیز گام‌ها و مراحل تشکیل یک تمدن است. در نتیجه، اگر یک آیه بتواند بیانگر نگاه قرآن در زمینه توسعه و پیشرفت باشد، در بیشتر موارد همان آیه برای نگاه تمدنی قرآن هم می‌تواند مستند قرار گیرد. محورهای مورد نظر برای این بخش، بر اساس یافته‌های مطالعات متعارف تمدنی عبارت است از:

یک: تأثیر قرآن بر دانش‌های رایج در گستره تمدن اسلامی؛

دو: تأثیر قرآن بر هنرهای رایج در گستره تمدن اسلامی؛

سه: تأثیر قرآن بر فضاهای کالبدی زیست‌بوم‌های مسلمانان در گستره تمدن اسلامی؛

چهار: تأثیر قرآن بر زندگی اجتماعی مسلمانان در گستره تمدن اسلامی.

منطق گزینش این محورها و بی‌توجهی به دیگر محورها، تمرکز بر قلمروهای اصلی

مظاهر یک تمدن از جمله تمدن اسلامی است.

یک: تأثیر قرآن بر دانش‌های رایج در گستره تمدن اسلامی

با هر تعریفی از تمدن، نقش علم در پیدایی و پایایی آن برجسته است. یکی از رویکردهای تمدن‌پژوهی رویکردی است که بیشترین سهم را برای علم قائل است و شاید بتوان از این رویکرد با عنوان رویکرد یکسان‌انگاران علم و تمدن یاد کرد.^۱ علم در منظومه معارف قرآنی نیز جایگاهی بلند دارد و بسیاری از آیات قرآن، علم را ارج نهاده‌اند و عالمان را

۱. کتاب علم و تمدن در اسلام به قلم سیدحسین نصر نمونه‌ای از این دست پژوهش‌هاست.





ستوده‌اند.^۱ افزون بر این، بسیاری از آیات قرآن نیز به شاخه‌های مختلف علوم مربوط است و برخی شمار آیات علمی قرآن را از ۶۷۵ تا ۱۳۲۲ آیه برشمرده‌اند.^۲ به هر حال، برخی نویسندگان بر این باورند که حرکت بزرگ علمی مسلمانان متأثر از این آموزه‌های قرآنی آغاز شده است. علامه طباطبایی بخش چهارم از پنج بخش کتاب قرآن در اسلام را ویژه «رابطه قرآن مجید با علوم» ساخته است (طباطبایی، بی تا: ۱۳۲-۱۴۰). ایشان پس از مروری بر مفاد برخی آیات قرآن می‌فرماید: «بدین ترتیب (قرآن) به تعلم علوم طبیعی و ریاضی و فلسفی و فنون ادبی و بالاخره همه علمی که در دسترس فکر انسانی است و تعلم آنها به نفع جهان بشری و سعادت بخش جامعه انسانی می‌باشد دعوت می‌کند» (همان: ۱۳۴). نقش قرآن در پیدایش علوم را بر اساس نوع تأثیر قرآن می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

الف) علمی که به طور مستقیم برای خدمت به مطالعه و فهم قرآن ایجاد شد: نقطه عزیمت شکل‌گیری دانش‌هایی مانند قرائت قرآن، تجوید، تفسیر، لغت‌شناسی و صرف و نحو، دانش‌های مربوط به آرایه‌های زبانی، یعنی علوم بلاغی قرآن بوده است. این دانش‌ها در اصل برای تلفظ درست و زیبایی الفاظ قرآن، شناخت ساختار واژگانی قرآن، شناخت ساختار جمله‌های قرآنی و شناخت درست معانی قرآن پدید آمدند و هرچند برخی از آنها مانند صرف و نحو بعدها از این خاستگاه اصلی فاصله گرفتند و در خدمت فهم زبان عربی به صورت عام درآمدند، در عین حال در مباحث خود به طور گسترده به آیات قرآن استناد و استشهاد کرده و می‌کنند.

۱. نک: عبدالباقی، ذیل مدخل‌های علم، فقه، عقل، فکر، لب و دیگر مدخل‌های مربوط. برای نمونه، به این دو آیه توجه نمایید: «... قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ» (زمر: ۹) و «... يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ» (مجادله: ۱۱).
۲. نک: مقاله «آیات علمی قرآن چه تعداد است؟» در:

www.miracleofquran.net/News/ShowNews.aspx?newsID=24.

بحث‌های تکمیلی در این زمینه در کتاب‌های زیر قابل دسترسی است: الحبال، محمدجمیل، ۱۴۱۸؛ مروه، ۱۳۸۷؛ بیضون، ۱۴۲۴؛ مهدی، ۱۴۱۴؛ همیمی، ۲۰۰۲؛ رفیعی محمدی، ۱۳۸۱؛ رضایی اصفهانی، ۱۳۹۲. همچنین مقالات برگزیده فصلنامه قرآن و علم در این زمینه سودمند است، از جمله مقاله «رابطه گزاره‌های قرآنی و گزاره‌های علمی» در ش ۱ و مقاله «اهداف گزاره‌های علمی قرآن» در ش ۲ و بیشتر مقالات شماره‌های ۷ و ۸. به‌ویژه «منبع‌شناسی اعجاز علمی قرآن» در ش ۷ که ۴۰۸ منبع را بازشماره کرده است.

راغب اصفهانی در مقدمه مفردات الفاظ القرآن فی غریب القرآن به صراحت می‌گوید: «من دریافته‌ام نخستین چیزی که برای پرداختن به علوم قرآنی بدان نیاز است، دانش‌های زبانی است و در میان دانش‌های زبانی هم دست یافتن به معانی الفاظ واژگان قرآنی است که به‌مثابه خشت برای ساختن بناست» (راغب اصفهانی، ۱۳۶۲: ۶). دانش‌هایی که امروز جزوی از علوم قرآنی به شمار می‌روند مانند دانش محکم و متشابه، ناسخ و منسوخ و اسباب نزول نیز که در آغاز دانش‌هایی مستقل بودند، به‌روشنی و به‌طور مستقیم متأثر از قرآن پدید آمده بودند (طباطبایی، بی‌تا: ۱۳۵).^۱

ب) علمی که در خدمت فهم دین بودند و پیوندی عمیق با قرآن داشتند: نقطه آغاز این دسته از علوم الزاماً و به‌طور مستقیم قرآن نبوده است، ولی این علوم در بخش‌های مختلف خود پیوندی عمیق با قرآن داشتند و در مبانی و مسائل خود وامدار قرآن بوده‌اند. در اینجا می‌توان از دانش کلام، اخلاق، فقه، اصول فقه، تاریخ، عرفان و حتی فلسفه نام برد.

ج) علمی که در خدمت برآوردن نیازهای جامعه اسلامی بود: این علوم نه برای فهم قرآن پدید آمده بودند و نه در خدمت فهم دین بودند، بلکه بیشتر خاستگاه برون‌دینی داشتند و پیش از اسلام هم وجود داشته‌اند و در خدمت مردم و معطوف به برآوردن نیازهای آنها بودند. دانش‌هایی مانند نجوم، جغرافیا، طب و حتی فلسفه و ادبیات را می‌توان به‌عنوان مهم‌ترین نمونه‌های این دانش‌ها نام برد. قرآن هم در تشویق به فراگیری و رواج این علوم اثر داشت و هم مبانی آنها را باز تعریف کرد و هم مسائلی نو برای آنها پدید آورد. علامه طباطبایی در کتاب قرآن در اسلام با صراحت می‌نویسد: «و به جرئت می‌توان گفت که عامل اصلی اشتغال مسلمانان به علوم عقلی از طبیعیات و ریاضیات و غیر آنها به صورت نقل و ترجمه در آغاز کار و به نحو استقلال و ابتکار در

۱. علامه طباطبایی قرآن را پایه‌گذار علوم قرآنی می‌شمارد. برای بحثی درباره نقش قرآن در شکل‌گیری دانش قرانات که گاه ابن‌خلدون آن را فن‌القراءات نامیده است، نک: ابن‌خلدون، بی‌تا: ۴۳۷-۴۴۰؛ نیز برای بررسی تأثیر قرآن در علوم ادبی نک: میرجلیلی، ۱۳۸۹. فصل اول این کتاب به علم صرف و نحو، فصل دوم آن به موضوع لغت و فصل سوم آن نیز به موضوع بلاغت اختصاص یافته است.





سرانجام همان انگیزه فرهنگی بود که قرآن مجید در نفوس مسلمانان فراهم کرده بود» (طباطبایی، بی تا: ۱۳۹).^۱ ارجاع‌ها و استنادهای این علوم به قرآن و استفاده از تعبیرها و اصطلاح‌های قرآنی، مانند آنچه در گستره شعر و ادب عربی و فارسی در بهره‌گیری از سوگندها، تمثیل‌ها، کنایات و استعارات و مجازات قرآنی شاهدیم، می‌تواند شاهدی بر اثرگذاری قرآن بر این دسته از دانش‌ها باشد.

دو: تأثیر قرآن بر هنرهای رایج در گستره تمدن اسلامی

اگر تأثیر قرآن در پیدایش پاره‌ای از علوم و تأثیر بر چگونگی تداوم پاره‌ای دیگر از علوم را مهم‌ترین تأثیر قرآن در مظاهر تمدنی به شمار آوریم، بی‌تردید پس از آن باید از تأثیر قرآن بر هنرهای رایج نزد مسلمانان یاد کرد. در این زمینه نیز می‌توان هنرها را به دو دسته تقسیم کرد:

الف) هنرهایی که به‌طور مستقیم برای خدمت به قرآن پدید آمدند: این هنرها دست‌کم در مرحله اولیه پیدایش خود، هدفی جز ارائه زیباتر قرآن نداشتند؛ هرچند پاره‌ای از آنها در مراحل تحول خود به موضوع‌های دیگر هم پرداختند. مهم‌ترین و سرآمد این هنرها کتابت و خوشنویسی رسم الخط قرآن است (ابن خلدون، بی تا: ۴۳۸-۴۳۹). به اعتقاد هنرپژوهان، در پی تحول خط عربی، نگارش قرآن «به صورت رسانه هنری زیبا و حیرت‌انگیزی درآمد» و خط عربی که در خدمت قرآن بود، از ابزاری که تنها برای نوشتن باشد در آمد و با جنبه خوشنویسی یافتن از سوی کاتبان هنرمند به یک ابزار هنری مهم تبدیل شد (ویلسون، ۱۳۷۷: ۱۴). این گونه بود که برخی حاکمان برترین هدیه‌ای که در راه خدا عطا می‌کردند، نسخه خوشنویسی شده قرآن بود؛ برای نمونه، ظهیرالدین بابر حاکم مشهور

۱. در زمینه سرچشمه قرآنی علوم مختلف، نک: مقالات برگزیده فصل‌نامه قرآن و علم. برای بحثی کوتاه در باره طب قرآنی، نک: سرمدی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۲۰۹-۴۲۲ و ۲۱۳ و برای یک منبع‌شناسی درباره قرآن و طب، نک: نورمحمدی، ۱۳۹۱: ۱۸۱-۱۸۸؛ در کتاب مقایسه‌ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، در بخشی با عنوان قرآن و دانش نو، پنج محور زیر در قرآن بررسی شده است: آفرینش آسمان‌ها و زمین، نجوم، زمین، سلسله‌های نباتی و حیوانی و تولید مثل حیوانی (نک: بوکای، ۱۳۶۸: ۱۸۲-۲۸۱).

گورکانی هند، قرآن را با خط زیبا نوشت و به کعبه هدیه کرد (حکمت، ۱۳۷۷: ۱۲۵).

تذهیب هم به عنوان شاخه‌ای از نگارگری که باید بین آن و هنر تذهیب فرق نهاد، هر چند در دوران پیش از اسلام ریشه دارد، ولی در دوره اسلامی در اصل برای قرآن پدید آمد (دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۴: ۷۲۶-۷۳۳؛ دانشنامه جهان اسلام، ج ۶: ۷۹۶-۸۰۱). گفته‌اند به هنگام استیلای صلاح الدین ایوبی بر مصر در کتابخانه العزیز بالله، دومین خلیفه فاطمی، سه هزار و چهارصد قرآن موجود بود که همه را با آب طلا، به خط زیبایی نگاشته بودند. امروزه نیز پاره‌ای از موزه‌ها به دلیل دربرداشتن گنجینه‌هایی ارزشمند از قرآن با خطوط زیبا و تذهیب کاری جاودانه به خود می‌بالند. نگارش قرآن روی صفحه‌های طلا، نقره، عاج، پارچه‌های حریر و ابریشم از دیگر کارهای هنری در خدمت قرآن به شمار می‌رود. خوشنویسی از جمله میراث‌های گران قدر این نوع هنرهاست. قرائت قرآن به مثابه یک هنر و نه به مثابه یک دانش به معنای بهره‌گیری از صوت، لحن و صدای خوش برای خواندن قرآن را نیز باید در زمره همین هنرهای ویژه قرآن یاد کرد.^۱

ب) هنرهایی که در خدمت جامعه اسلامی بودند و از قرآن الهام و بهره می‌گرفتند: مهم‌ترین این هنرها معماری است و هنرهایی همچون کتیبه‌نویسی، معرق کاری، منبت کاری، نگارگری، فرش‌بافی، شیشه‌گری با تزئین لعاب‌دار، کاشی‌سازی، موزاییک کاری، سفال‌گری نیز پس از آن قرار می‌گیرد. استفاده از تصویرپردازی و نگارگری غیرچهره‌ای برای قاب‌بندی سوره‌های قرآن و جدا کردن سوره‌ها از یک دیگر (نک: ویلسون، ۱۳۷۷: ۱۶ و یادداشت انتقادی مترجم در این باره در: ۳۰-۳۱ و ۸۴-۹۳ و ۱۴۰-۱۴۱؛ نیز نک: تصاویر شماره‌های ۴۸، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳ و ۵۷)، استفاده گسترده از آیات و الفاظ قرآنی در ظرف‌های سفالی و بشقاب‌ها و کنده کاری روی چوب (همان: ۲۵ و ۴۱)، نقش کردن آیه شریفه «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» در ترنج‌های فولادی (همان: ۲۵ و ۴۳)، نگارش آیات قرآن در تزیینات لعاب شیشه‌ها (رایس، ۱۳۷۵، تصویرهای ۱۰، ۱۱، ۱۳۴ و ۱۳۵)، استفاده گسترده از آیات قرآن در ضریح‌های چوبی و کتیبه سردر، شبستان، تالار مساجد، محراب‌ها، زیارتگاه‌ها،

۱. نک: Nelson, 2001؛ نلسون، ۱۳۸۹؛ مهاجر، ۱۳۸۱ و اشاره‌ای کوتاه در:





کتابخانه‌ها، رصدخانه‌ها و حتی کاخ‌ها و نیز در نوشته‌های منبت کاری و معرق کاری شده و دیگر هنرهایی که به گونه‌ای با کتابت و تصویر ارتباط داشتند، اثرگذاری قرآن بر تمدن اسلامی را به نمایش می‌گذارند.^۱ همچنین در هنرهای آیینی مانند تعزیه نیز در گذشته برخی داستان‌های قرآنی مانند هابیل و قابیل، به آتش افکنده شدن حضرت ابراهیم (دو مجلس متفاوت)، ذبح حضرت اسماعیل، داستان ایوب، یحیی، زکریا، سلیمان و بلقیس، خاتم دزدی سلیمان و چهار مجلس متفاوت درباره مراحل مختلف زندگی حضرت یوسف به صورت تعزیه خوانده می‌شده است.^۲ به باور الگ گرابار مضمون آیات فاطر: ۳۳ و انسان: ۱۵-۱۷^۴ و ۲۱^۵ در ترسیم بانوان خدمتگزار در بهشت و جامه آنان و ظرف‌هایی که در دست دارند، الهام‌بخش نگارگران ایرانی در تصاویری است که بهشت را به کمک نمادهای این جهانی به تصویر می‌کشند (گرابار، ۱۳۸۴: ۶۵). برخی نویسندگان سر آغاز هنر اسلامی را دعوت قرآن به دو عنصر زیبایی و زینت در آیات سی و یکم و سی و دوم سوره اعراف^۶ و آیات پنجم تا هشتم سوره نحل دانسته‌اند (الرفاعی، ۱۳۷۷: ۱۲-۱۳)؛^۷ هر چند

۱. برای شواهدی پراکنده در این زمینه، نک: بورکهارت، ۱۳۶۵: ۲۶-۴۴؛ بلخاری، ۱۳۸۲: ۶۳-۷۱؛ الرفاعی، ۱۳۷۷: ۱۲-۱۳؛ محمد خزائی، ۱۳۸۱؛ پرایس، ۱۳۴۷. اینگهاوزن معتقد است از قرآن و یا دیگر منابع اولیه اسلامی در مورد معماری چیزی حاصل نمی‌شود (اینگهاوزن، ۱۳۷۸: ۶). البته همو بی‌درنگ می‌گوید بعدها برای تزیین بعضی از بخش‌های مسجدها و بناهای دیگر از آیات خاص قرآن مانند آیه نور (نور: ۳۵) بارها در کتیبه‌های مختلف به‌ویژه کتیبه محراب‌ها استفاده شده است. به باور او، این موضوع بیش از آنکه به معنای تأثیر مستقیم قرآن در معماری اسلامی باشد، به معنای پیوند بین قرآن و بناهاست (اینگهاوزن، ۱۳۷۸: ۶-۷).
 ۲. این مجالس از شماره ۷۷ تا شماره ۸۸ در نشانی زیر فهرست شده است:

<http://salam3000.blogfa.com/post/61>.

۳. «جَنَاتٌ عَدْنٌ يَدْخُلُونَهَا يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَلُؤْلُؤًا وَلِبَاسُهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ».
 ۴. «وَيُطَافُ عَلَيْهِمْ بِآيَاتٍ مِنْ فَضَّةٍ وَأَكْوَابٍ كَانَتْ قَوَارِيرًا. قَوَارِيرًا مِنْ فُضَّةٍ قَدَّرُوهَا تَقْدِيرًا وَيُسَقَوْنَ فِيهَا كَأْسًا كَانَتْ مِرْزَاجًا زَنْجَبِيلًا».
 ۵. «عَالِيَهُمْ ثِيَابٌ سُنْدُسٌ خُضْرٌ وَإِسْتَبْرَقٌ وَحُلُّوا أَسَاوِرَ مِنْ فُضَّةٍ وَسَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا».
 ۶. «يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ. قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ».
 ۷. «وَالْأَنْعَامَ خَلَقَهَا لَكُمْ فِيهَا دِفْءٌ وَمَنَافِعُ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ. وَلَكُمْ فِيهَا جَمَالٌ حِينَ تُرِيحُونَ وَحِينَ تَسْرَحُونَ. وَتَحْمِلُ أَثْقَالَكُمْ إِلَىٰ بَلَدٍ لَمْ تَكُونُوا بِالْغِيَةِ إِلَّا لِبَشَرِكِ الْأَنْفُسِ إِنَّ رَبَّكُمْ لَرُؤُوفٌ رَحِيمٌ. وَالْحَيْلُ وَالْإِغَالُ وَالْحَمِيرُ لِتَرْكَبُوهَا وَزِينَةٌ وَيَخْتَلِفُ مَا لَا تَعْلَمُونَ».

اثبات این نکته از نظر تاریخی آسان نیست و حداکثر می‌توان گفت این آیات در روی آوردن مسلمانان به این هنرها و رونق آنها نقش داشته است.

سه: تأثیر قرآن بر فضاهای کالبدی زیست‌بوم‌های مسلمانان در گستره تمدن اسلامی

سومین تأثیر قرآن بر مظاهر تمدن اسلامی را باید در تأثیر قرآن در فضاهای کالبدی شهرها و روستاهای محل سکونت مسلمانان جست‌وجو کرد. معماری هنری است که در فضاهای کالبدی به کار برده می‌شود و مراد از فضای کالبدی همان ساختمان‌ها و بناهای ایجاد شده در گستره تمدن اسلامی و چینش فضای شهری است و از این رو، با معماری تفاوت دارد. این بناها را می‌توان به دو دسته کلی تقسیم کرد: ۱. بناهای در خدمت مستقیم قرآن، مانند ساختمان دارالقرآن‌ها که در اصل و مستقیم برای آموزش علوم قرآنی به‌ویژه قرائت قرآن تأسیس می‌شده است. از دروازه قرآن‌ها نیز برای نمونه دیگری در این زمینه می‌توان نام برد. ۲. دسته دیگر بناهای در خدمت برآوردن نیازهای عمومی مسلمانان است که بخش‌هایی از آن از آموزه‌های قرآنی متأثر بوده است. مهم‌ترین مثال در این زمینه خود شهرهاست که بیشتر متأثر از آموزه‌های قرآنی، مسجد در مرکز آنها ساخته می‌شد و یا متأثر از آموزه‌های دینی، مدرسه‌ها در نقطه مرکزی شهر و در کنار یا داخل بازارها ساخته می‌شد.^۱ ایجاد موقوفه‌هایی مانند مدرسه، بیمارستان‌ها، رخت‌شوی‌خانه‌ها، آب‌رودهای داخل شهرها و غسل‌خانه‌ها نیز متأثر از آموزه‌های قرآنی، به‌ویژه در زمینه وقف بوده است. جایگاه گورستان‌ها و جهت آنها نیز در همین راستا قابل بررسی است.

چهار: تأثیر قرآن بر زندگی اجتماعی مسلمانان در گستره تمدن اسلامی

تأثیرگذاری دیگر قرآن بر مظاهر تمدنی تمدن اسلامی را باید در زندگی اجتماعی مسلمانان و سبک زندگی آنها جست‌وجو کرد. این تأثیرگذاری نیز که کمتر از دیگر

۱. برای بررسی‌هایی در این زمینه، نک: گرابار، ۱۳۸۴: ۵۱-۸۰؛ ملازاده، ۱۳۷۹.





محورها بدان توجه شده و زمینه‌ای فراخ برای پژوهش‌های تاریخی نو است، به دسته‌های مختلفی تقسیم می‌شود:

الف) پیدایش اقشار اجتماعی جدید: یکی از پیامدهای اجتماعی قرآن پیدایش گروه‌های اجتماعی جدیدی در جامعه اسلامی بود که هویت آنها وابستگی تمام به قرآن داشت. گروه‌هایی مانند قاریان، حافظان، مدرسان و شارحان و مفسران قرآن هر کدام در دوره‌های گوناگون تاریخ اسلام، کارکردهای اجتماعی ویژه‌ای داشتند که واکاوی آنها می‌تواند افق‌هایی تازه برای نشان‌دادن سازوکار نقش‌آفرینی قرآن در تمدن اسلامی در برابر پژوهشگران بگشاید.

ب) پیدایش شغل‌ها و پایگاه‌های درآمدی جدید: قرآن منشأ پیدایش یا گسترش پاره‌ای شغل‌ها و پایگاه‌های درآمدی در تمدن اسلامی بوده است. روشن‌ترین نمونه در این زمینه خرید و فروش - یا هدیه - قرآن است که همواره پرفروش‌ترین کتاب دینی است. صحافی، وراقی و استنساخ قرآن نیز تا پیش از پیدایش صنعت چاپ، بخش قابل توجهی از فعالیت صحافان، وراقان و نسخه‌نویسان را به خود اختصاص داده بود. گرچه آموزش قرآن را بر اساس برخی روایت‌ها که دریافت حق الزحمه برای آموزش قرآن را ممنوع کرده است، نمی‌توان شغل نامید، ولی بی‌تردید یک پایگاه درآمدی بوده است، زیرا معلمان قرآن همواره و به شکل‌های مختلف از حمایت‌های مالی خوبی حتی از سوی طبقات فرودست جامعه برخوردار بوده‌اند. اختصاص بخشی از موقوفه‌ها به خواندن قرآن در زیارتگاه‌ها یا کنار قبر بزرگان از دیگر مواردی است که در این زمینه می‌توان نام برد و ده‌ها نمونه از متن‌های تاریخی برای آن می‌توان شاهد آورد. خواندن قرآن بر سر مزارها، در مجالس ترحیم و در مراسم مهم در ازای دریافت پول از گذشته‌های دور تا اکنون رواج داشته و دارد.

ج) پیدایش قوانین و مقررات خاص: پاره‌ای از قوانین رایج نزد مسلمانان به‌ویژه در حقوق مدنی و حقوق جزایی به طور مستقیم برگرفته از قرآن است. روش مسلمانان در تقسیم ارث، مجازات بزه‌هایی مانند سرقت، قصاص مجرمان، چگونگی ازدواج، مرز محرمیت و نامحرمیت میان زنان و مردان، بخش‌هایی از مقررات خرید و فروش و

نمونه‌هایی از این دست الهام گرفته از قرآن بوده است.

د) پیدایش آداب و رسوم خاص: برخی آداب و آیین‌های رایج نزد مسلمانان متأثر از جایگاه شایسته احترام و قدسیت قرآن است که مسلمانان برای تبرک جستن به این کتاب آسمانی، تمام یا بخشی از آیین خود را در پیوند با آن قرار داده‌اند؛ برای نمونه، موارد زیر را به‌عنوان نمونه‌هایی از این‌گونه آداب و رسوم در گذشته و حال جامعه مسلمانان می‌توان نام برد: بدون وضو دست به قرآن نزدن، قراردادن قرآن به‌عنوان بخشی از مهریه زنان، بردن قرآن در کنار آینه به منزل نو، هدیه‌دادن قرآن در مناسبت‌های مهم، از زیر قرآن گذراندن مسافر در سفرهای پرمخاطره، خواندن قرآن در کنار محتضر و یا جنازه متوفی، بر سر گرفتن قرآن در مراسم شب‌های قدر در محافل پیروان مکتب اهل بیت^۱، ختم قرآن به‌مثابه یک آیین، قراردادن تمام یا بخشی از قرآن در داخل تعویذ و اعتقاد به خواص برخی از آیات قرآن از جمله پنج یا ده بار خواندن آیه شصت و دوم سوره مبارکه نمل^۲ برای برآوردن شدن حاجت و خواندن آیه نهم سوره مبارکه کهف^۳ برای پنهان‌ماندن از چشم دشمنان و خواندن سوره حمد برای شفای بیماران و خواندن آیات پنجاه و یکم و دوم سوره مبارکه قلم برای دور ماندن از چشم زخم^۴. سوگند به قرآن برای امور مهم را نیز می‌توان در زمره همین آداب و رسوم قرار داد. برخی از این آداب و رسوم خاستگاه دینی دارد؛ یعنی معصومان: آن را توصیه کرده‌اند؛ مانند لزوم با وضو دست‌زدن به الفاظ قرآن (الحر العاملی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۳۸۳-۳۸۵، باب ۱۲)، خواندن قرآن در کنار کسی که در حال جان دادن است (همان، ج ۲: ۴۶۵، باب ۵) و نیز بر سر جنازه متوفی (الحلی (محقق)، ۱۴۰۸، ج ۱: ۲۸)، بر سر گرفتن قرآن در شب‌های قدر (الطوسی، ۱۴۱۴: ۲۹۲-۲۹۳. به نقل از: امام صادق علیه السلام) و برخی دیگر ساخته و پرداخته مسلمانان است. به همین دلیل، بیشتر به‌عنوان یک رسم محلی شناخته می‌شود و به‌الزام در سراسر جهان اسلام رواج ندارد.



۱. «أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ أَلِلَّهِ مَعَ اللَّهِ قَلِيلًا مَا تَدَّكَّرُونَ».

۲. «وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ».

۳. «وَإِنْ يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَيُفْلِتُونَكَ بِأَبْصَارِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ وَيَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ».



ه) تأثیر در زندگی روزانه مسلمانان: افزون بر آنچه گذشت قرآن در زندگی روزانه مسلمانان نیز جاری بوده است. مهم‌ترین نمونه‌ها در این زمینه عبارتند از: قرائت روزانه آیاتی از قرآن که علت تقسیم قرآن به جزء و حزب نیز همین بوده است؛ بهره‌گیری از برخی الفاظ و تعبیرهای خاص قرآن در گفت‌وگوهای روزمره؛ مانند تعبیر استعاری خوانده‌شدن فاتحه فلان چیز به معنای از میان رفتن آن، خواندن سوره حمد برای آمرزش مردگان، سوگندهای به‌جا و نابه‌جا به قرآن و سی جزء کلام الله در گفت‌وگوهای روزمره، ادای احترام ویژه به کسانی که با قرآن سروکار دارند، ذکر «بسم الله الرحمن الرحيم» در آغاز هر کاری به‌ویژه به هنگام خروج از منزل، خوردن غذا و نوشیدن آب.

منابع تاریخ اجتماعی مسلمانان با گرایش‌های مذهبی گوناگون آکنده از مثال‌ها و شواهدی برای نشان‌دادن تأثیر قرآن در زندگی اجتماعی مسلمانان است. مهم‌ترین این منابع را تاریخ‌های محلی، سفرنامه‌های مسلمانان، سفرنامه‌های جهان‌گردان خارجی، سرگذشت‌نامه‌های خودنوشت و دیگرنوشت، متون ادبی اعم از اندرزنامه‌ها، جنگ‌ها و دیوان‌های شعر و متن‌های فقهی تشکیل می‌دهد. در آثاری که امروزه با عنوان تاریخ اجتماعی، تاریخ فرهنگی، فرهنگ عامه و مردم‌شناسی فرهنگی نگاشته شده است هم می‌توان نمونه‌هایی مهم در این زمینه به دست آورد. به دلیل زیادبودن نسبی این گونه منابع و لزوم رعایت اجمال به همین نمونه‌ها بسنده می‌شود.

نتیجه‌گیری

آنچه گذشت نشان داد که قرآن افزون بر جهت‌دهی و تعیین روح کلی تمدن اسلامی بر مظاهر تمدنی به‌ویژه چهار قلمرو علم، هنر، معماری و زندگی اجتماعی مسلمانان نیز اثرگذار بوده است. این بررسی مقدماتی آشکار ساخت که چگونه از صورت ظاهر و الفاظ قرآن گرفته تا مفاهیم و معانی آیات آن همه جنبه‌ها و لایه‌های آشکار و نهان تمدن اسلامی را تحت تأثیر خود قرار داد. به بیان دیگر، قرآن با الفاظ ساده و روان و ژرفای پایان‌نیافتنی خود، افزون بر کارکردهای فردی و تربیت انسان‌هایی وارسته و کمال‌جو، در جنبه اجتماعی نیز توانست جامعه‌ای کمال‌طلب و بالنده بسازد که در

مدت‌زمانی کوتاه تمدنی بزرگ را محقق سازد. به تعبیر علامه طباطبایی «معلوم است که مدنیت وسیع اسلامی که کمی بعد از هجرت و رحلت (پیامبر) قسمت معظم معموره را تحت تسلط خود گرفت و در آن حکومت نمود ... ، یکی از آثار بارزه قرآن مجید بود. اگرچه ما به نام شیعه به خلفا و دیگر پادشاهان کارگردان این مدنیت از جهت مسامحه‌هایی که در روشن ساختن حقایق دین و اجرای قوانین آن کرده‌اند اعتراض داریم، درعین حال از پرتو اسلام هرچه به جهان تابیده» [است] بی‌تردید از قرآن می‌باشد» (طباطبایی، بی‌تا: ۱۴۰).

اگر قرآن موجب و موجد تمدن پیشین اسلامی بوده است، می‌توان گفت نقطه آغاز ایستایی تمدن اسلامی نیز به کناررفتن آموزه‌های قرآنی از صحنه اجتماع و محدود ماندن آن در ساحت مسائل اندیشه‌ای غیرمرتبط با نیازهای اجتماعی جامعه برمی‌گردد. بر همین اساس، اگر آموزه‌های تمدنی قرآن همسان خود قرآن جاودانه است، امروزه نیز این آموزه‌ها می‌توانند متناسب با نیازهای نو، مورد بازخوانی و بازفهمی قرار گیرند و اگر تجربه‌ای موفق در نقش‌آفرینی قرآن در صحنه اجتماعی و تمدن‌سازی وجود داشته است، اکنون نیز همچنان همان قرآن با همان آموزه‌های حفظ شده می‌تواند منشأ تحول عمیق و همه‌جانبه باشد. مسلمانان که امروزه در یک پیچ تاریخی بزرگ جا به جایی تمدن‌ها به سر می‌برند، می‌توانند با بازگشت دوباره به قرآن و محور قراردادن آن به‌ویژه برای علوم، هنرها، فضاهای کالبدی و زندگی اجتماعی خود زمینه‌ساز محوریت دوباره قرآن در تمدن جدید اسلامی باشند. بی‌تردید واکاوی تجربه گذشته مسلمانان می‌تواند ما را از آسیب‌های موجود در این مسیر دور سازد.



کتابنامه

* قرآن کریم

۱. ابن خلدون، عبد الرحمن بن محمد (بی تا)، مقدمه ابن خلدون، بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.
۲. ابن هشام الانصاری، جمال الدین (۱۹۷۹م)، مغنی اللیب عن کتب الاعاریب، حقیقه وعلق علیه: مازن المبارک، محمد علی حمدالله، سعید الأفغانی، بیروت: بی نا.
۳. ایننگهاوزن، ریچارد؛ گرابر، الگ (۱۳۷۸ق)، هنر و معماری اسلامی، ترجمه یعقوب آژند، تهران: سمت.
۴. بازرگان، مهدی (بی تا)، دین و تمدن، تهران: مؤسسه بعثت.
۵. بجنوری، کاظم موسوی (زیر نظر) (۱۳۷۷)، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۸ و ۱۴، تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
۶. بلخاری فهی، حسن (۱۳۸۲)، سرگذشت هنر در تمدن اسلامی، ج ۱: موسیقی - معماری، تهران: حسن افرا.
۷. بورکهارت، تیتوس (۱۳۶۵)، هنر اسلامی، زبان و بیان، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران: سروش.
۸. بورلو، ژوزف (۱۳۸۶)، تمدن اسلامی، ترجمه اسدالله علوی، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی.
۹. بوکای (۱۳۶۸)، مقایسه ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، ترجمه ذبیح الله دبیر، چاپ چهارم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۰. بهجت پور، عبدالکریم (۱۳۸۸)، درآمدی بر اصول تحول فرهنگی با الهام از نزول تدریجی قرآن، قم: بوستان کتاب.
۱۱. بیضون، لیب و جیه (۱۴۲۴ق/۲۰۰۳م)، الاعجاز العلمی فی القرآن، بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.
۱۲. پرایس، کریستین (۱۳۴۷)، تاریخ هنر اسلامی، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۱۳. ترنر، برایان (۱۳۸۰)، ویر و اسلام با پانوشته های انتقادی و مقدمه ای بر جامعه شناسی ماکس ویر، مترجمان: حسین بستان، علی سلیمی و عبد الرضا علی زاده، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.



۱۴. جعفری، محمدتقی (۱۳۸۴)، قرآن نماد حیات معقول، به‌اهتمام علی جعفری، کریم فیضی، تهران: مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
۱۵. جعفری، آرتور (۱۳۸۶)، واژه‌های دخیل در قرآن مجید، ترجمه فریدون بدره‌ای، چاپ دوم، تهران: توس.
۱۶. الحبال، محمدجمیل، الجواری، مقداد مرعی (۱۴۱۸ق./۱۹۹۸م)، العلوم فی القرآن؛ منهاج ترویجی للدراسة والتطبيق، تقديم: عماد الدین خلیل، بیروت: دار الفوائد.
۱۷. حتی، فیلیپ ک. (۱۳۴۴)، تاریخ عرب، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تبریز: کتاب‌فروشی محمدباقر کتابچی حقیقت، با همکاری مؤسسه فرانکلین.
۱۸. حداد عادل، غلامعلی (زیر نظر) (۱۳۸۰)، دانشنامه جهان اسلام، ج ۶، تهران: بنیاد دائره‌المعارف اسلامی.
۱۹. الحر العاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق.)، وسائل الشیعه الی تحصیل الشریعه، ۳۰ ج، قم: مؤسسه آل‌البیت .:
۲۰. حکمت، علی‌اصغر (۱۳۷۷)، سرزمین هند، تهران: دانشگاه تهران.
۲۱. حکیمی، محمدرضا (۱۳۸۸)، پیام جاودانه؛ سخنی چند پیرامون قرآن کریم و آفاق آن، چاپ دوم، قم: دلیل ما.
۲۲. الحلّی (محقق)، نجم‌الدین جعفر بن الحسن (۱۴۰۸ق.)، شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، ج ۴، الطبعة الثانية، قم: اسماعیلیان.
۲۳. حوزه نت (۱۳۸۳)، «تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری در قرآن کریم»، کتاب روش، پیش‌شماره ۲ و ۳.
۲۴. خاکرند، شکرالله، اصغر، منتظر القائم و محمدعلی چلو‌نگر (۱۳۸۶)، «پیامبر اسلام ۹ و جهان‌بینی تمدن‌ساز دینی»، اندیشه دینی، ش ۲۲.
۲۵. خرمشاهی، بهاء‌الدین (۱۳۷۹)، قرآن‌شناخت؛ مباحثی در فرهنگ‌آفرینی قرآن، چاپ پنجم، تهران: طرح نو.
۲۶. خزائی، محمد (۱۳۸۱)، مجموعه مقالات اولین همایش هنر اسلامی، تهران: مؤسسه مطالعات هنر اسلامی.
۲۷. الخطیب، سلیمان (۱۴۰۶ق/۱۹۸۶م)، أسس مفهوم الحضارة فی الاسلام، الطبعة الأولى، القاهرة: الزهراء للاعلام العربی.





۲۸. الراغب الاصفهانی، ابوالقاسم الحسین بن محمد (۱۳۶۲)، مفردات الفاظ القرآن فی غریب القرآن، چاپ دوم، تحقیق: محمدسید کیلانی، تهران: المكتبة المرتضویه.
۲۹. رایس، دیوید تالبوت (۱۳۷۵)، هنر اسلامی، ترجمه ماه ملک بهار، چاپ اول، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۳۰. رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۹۲)، دانشنامه میان‌رشته‌ای قرآن و علوم، قم: پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن.
۳۱. الرفاعی، انور (۱۳۷۷)، تاریخ هنر در سرزمین‌های اسلامی، ترجمه عبدالرحیم قنوت، مشهد: جهاد دانشگاهی مشهد.
۳۲. رفیعی محمدی، ناصر (۱۳۸۱)، تفسیر علمی قرآن، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
۳۳. رئیس‌السادات، حسین (۱۳۶۸)، «دین و تمدن»، مشکوه، ش ۲۲.
۳۴. زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۸۲)، کارنامه اسلام، چاپ نهم، تهران: امیرکبیر.
۳۵. سرمدی، محمدتقی (۱۳۷۷)، پژوهشی در تاریخ پزشکی و درمان جهان از آغاز تا عصر حاضر، ج ۱، تهران: سرمدی.
۳۶. صافی، محمود بن عبد الرحیم (۱۴۱۸ق)، الجدول فی اعراب القرآن، الطبعة الرابعة، دمشق و بیروت: دار الرشید و مؤسسه الایمان.
۳۷. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۸. _____ (بی‌تا)، قرآن در اسلام، مشهد: طلوع.
۳۹. الطوسی، ابو جعفر محمد بن الحسن (۱۴۱۴ق)، الامالی، قم: دار الثقافة.
۴۰. عبدالباقی، محمد فؤاد (۱۳۶۴ق)، المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم، القاهرة: دار الکتب المصریه.
۴۱. عرب، محمدحسن (۱۳۸۷)، دانشنامه اماکن جغرافیایی قرآن مجید، تهران: فرهنگ مکتوب.
۴۲. فراگوزلو، محمد (۱۳۷۹)، «هنوز نرسیده‌ایم که چرا قرآن از ظهور و سقوط تمدن‌ها سخن می‌گوید» (گفت‌وگو)، گلستان قرآن، دوره جدید، ش ۳۷.
۴۳. گرابار، الگ (۱۳۸۴)، «هنر، معماری و قرآن»، ترجمه حسن رضایی هفتادار، اسلام‌پژوهی، ش ۱.

۴۴. لویون، گوستاو (۱۳۳۴)، تمدن اسلام و عرب، ترجمه سید محمدتقی فخر داعی گیلانی، چاپ چهارم، بی‌جا: بنگاه مطبوعاتی علی اکبر علمی.
۴۵. مدرسی، سید محمدتقی (۱۴۱۹ق)، من هدی القرآن، الطبعة الأولى، تهران: دار محبی الحسین.
۴۶. مدرسی، سید محمدتقی (۱۳۷۹)، اصول و پایه‌های تمدن اسلامی، مترجم: محمدصادق پارسا، تهران: محبان الحسین.
۴۷. المرزوقی، ابویعرب و حسن حنفی (۲۰۰۳ق)، النظر والعمل والمأزق الحضاری العربی والاسلامی الراهن، بیروت: دار الفكر المعاصر و دمشق: دار الفكر.
۴۸. مروه، یوسف (۱۳۸۷ق)، العلوم الطبیعیه فی القرآن، بیروت: مروه العلمیه.
۴۹. المصطفوی، حسن (۱۳۶۰)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۵۰. ملازاده، کاظم و مریم محمدی (۱۳۷۹)، بناهای عام المنفعه، تهران: سازمان تبلیغات، حوزه هنری.
۵۱. ملاصالحی، حکمت الله (۱۳۸۵)، «قرآن و بازآفرینی تاریخ»، کیهان فرهنگی، ش ۲۴۴ و ۲۴۵.
۵۲. مهاجر، روح الله (۱۳۸۱)، «هنر قرائت قرآن»، گلستان قرآن، ش ۱۱۶.
۵۳. مهدی، ناصر (۱۴۱۴ق/۱۹۹۴م)، الاعجاز العلمی فی القرآن، تقدیم: السید محمدحسین فضل الله، بیروت: دار الروضه.
۵۴. مهنا، ایناس صباح (۲۰۰۸م)، منطق الحضاره عند عبدالعزیز الدوری، بیروت: مرکز دراسات الوحده العربیه.
۵۵. مؤنس، حسین (۱۹۹۸م/۱۴۱۹ق)، الحضاره: دراسة فی اصول وعوامل قیامها وتطورها، الطبعة الثانية، الكويت: المجلس الوطنی للثقافه والفنون والآداب.
۵۶. میرجلیلی، علی محمد (۱۳۸۹)، تأثیر قرآن در پیدایش و پیشرفت علوم ادبی، قم: بوستان کتاب.
۵۷. میکل، آندره (با همکاری هانری لوران) (۱۳۸۱)، اسلام و تمدن اسلامی، ترجمه حسن فروغی، تهران: سمت.
۵۸. نصر، سید حسین (۱۳۸۴)، علم و تمدن در اسلام، ترجمه احمد آرام، تهران: علمی و فرهنگی.



۵۹. نلسون، کریستینا (۱۳۸۹)، هنر قرائت قرآن، ترجمه محمدرضا ستوده‌نیا، زهرا جان‌نثاری لادانی، تهران: زمان نو.
۶۰. نورمحمدی، غلامرضا و غلامرضا واشیان (۱۳۹۱)، منبع‌شناسی قرآن و طب، قرآن و علم، ش ۱۱.
۶۱. وبر، ماکس (۱۳۷۴)، اخلاق پروتستان و روح سرمایه‌داری، ترجمه عبدالمعبود انصاری، چاپ دوم، تهران: سمت.
۶۲. ویل دورانت (۱۳۷۳)، تاریخ تمدن (عصر ایمان، بخش اول)، مترجمان: ابوطالب صارمی، ابوالقاسم پاینده، ابوالقاسم طاهری، چاپ چهارم، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۶۳. ویلسون، اوا (۱۳۷۷)، طرح‌های اسلامی، ترجمه محمدرضا ریاضی، چاپ اول، تهران: سمت.
۶۴. هانتینگتون، ساموئل (۱۳۸۰)، تمدن‌ها و بازسازی نظام جهانی، ترجمه مینو سرتیپ احمدی، تهران: کتاب‌سرا.
۶۵. همیمی، زکریا (۲۰۰۲م)، الاعجاز العلمي فی القرآن الکریم، قاهره: مکتبه مدیولی.
۶۶. یاریان، مجید (۱۳۸۷)، «دین و تمدن»، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، ش ۱۴.
67. Nelson, Kristina (2001), *The Art of Riciting The Quran*, Cairo: The American University in Cairo Press.
68. http://en.wikipedia.org/wiki/Encyclopaedia_of_the_Qur%27%C4%8
69. <http://en.wikipedia.org/wiki/Qira%27at>
70. <http://salam3000.blogfa.com/post/61>
71. <http://www.hawzah.net/fa/magart.html?MagazineID=0&MagazineNumberID=5452&MagazineArticleID=51270> (۹۱/۵/۲)
72. [www. Hawzah.net/fa/magazine/magart/5426/57270](http://www.Hawzah.net/fa/magazine/magart/5426/57270)
73. [www. miracleofquran.net/News/ShowNews.aspx?newsID=24.](http://www.miracleofquran.net/News/ShowNews.aspx?newsID=24)



نظر
مدرسه

سال بیستم، شماره ۸۰، زمستان ۱۳۹۴